

## جایگاه قرآن و حدیث در شعر فارسی سده سوم و چهارم هجری

باقر قربانی زرین\*

**چکیده:** شعر فارسی، از سده سوم و چهارم هجری آغاز شد. و از همان آغاز، مضامین آیات و روایات، دست مایه اصلی برای قوت و غنای فرهنگ و ادب پارسی شد. نویسنده در این مقاله، شیوه‌های استفاده شاعران پارسی گوی ایرانی از آیات قرآن و روایات شیعی را، در چهار عنوان بررسی می‌کند:

استفاده از مفاهیم و مضامین، اقتباس از آیات و روایات، اشاره به داستانهای قرآنی، اشاره به برخی از وقایع تاریخ صدر اسلام  
**کلیدواژه‌ها:** شعر فارسی، قرن ۳ و ۴ / قرآن / حدیث شیعی  
اول دفتر به نام ایزد دانا

### مقدمه

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ

هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

در سده سوم هجری، سکوت شعر و ادب فارسی شکسته شد و نخستین شاعران

فارسی زبان، به مناسبت‌های گوناگون، سروده‌هایی به فارسی به یادگار گذاردند<sup>(۱)</sup>.

در سده چهارم، کار نویسندگان و شاعران با پشتیبانی دربار ادب دوست سامانی،

\* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

۱- برای تفصیل پیرامون قدیمی‌ترین شعر فارسی ر.ک: تحقیقات ادبی، ص ۱۵۰ - ۱۶۴.

بسامان گشت و زبان فارسی گوهر از دست داده خود را پیدا و جلوه‌هایی از آن را در سروده‌های شاعران، هویدا ساخت.

از دیگر سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری، دوران کمال تاریخ و تمدن اسلامی به شمار است؛ دانشمندان بزرگی در شعبه‌های مختلف دانشهای عقلی و نقلی آشکار گشتند و این دوران را به دورانی طلایی در تاریخ بشریت تبدیل کردند. فرهنگ اسلامی نیز در همه جا گسترش یافت<sup>(۱)</sup>. مدارس و پایگاههای علمی براساس ادبیات عربی و مبانی دینی پایه‌گذاری شد و شاعران و نویسندگان در این مدارس تربیت شدند و خواه ناخواه از مبانی دینی متأثر بودند. چرا که گفتار هر گوینده، اعم از نظم و نثر، ظهور و جلوه مراتب تربیت و تفکر است.<sup>(۲)</sup> شعر فارسی نیز در این دوران با ظهور شاعران بزرگی چونان دقیقی طوسی، رودکی سمرقندی، کسایی مروزی و بالاخره حکیم ابوالقاسم فردوسی به پختگی و کمال رسیده بود، و این بزرگان، گفتار خود را به مضامین و الفاظ آیات و روایات آرایش می‌دادند. به تعبیر زنده یاد استاد دکتر زرین کوب: «عبث نیست که شعرای فارسی زبان از همان آغاز پیدایش شعر فارسی تحت تأثیر آن بوده‌اند، نه فقط از معانی و قصص آن اخذ کرده‌اند بلکه استعارات و مجازات آن را هم به کار برده‌اند و حتی گاه بعضی اجزاء آیات را به شکل حلّ با تضمین یا ترجمه در تلو اشعار خویش آورده‌اند. یک مطالعه اجمالی در دواوین شعرا شواهد کافی برای این دعوی عرضه می‌کند.»<sup>(۳)</sup>

در این مقال بر آنیم که جایگاه قرآن و حدیث را در اشعار فارسی سده‌های سوم و چهارم هجری به نحو اجمال بررسی و به ذکر نمونه‌هایی چند بسنده کنیم.<sup>(۴)</sup>



۱- برای تفصیل این مطلب ر.ک: الحضارة الإسلامية فی القرن الرابع الهجری، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۶۸ و ۴۲۱-۴۹۱؛ تاریخ ادبیات در ایران ج ۱، ص ۲۵۹-۲۷۹. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲- احادیث مثنوی، مقدمه استاد فروزانفر، صفحه د، ه

۳- شعر بی دروغ شعر بی نقاب، ص ۷۰. رتال جامع علوم انسانی

۴- البته بررسی تأثیر مضامین قرآن و حدیث در شاهنامه حکیم فردوسی، که بس فراوان است، فرصتی دیگری می‌طلبد؛ زیرا به تعبیر استاد فروزانفر (سخن و سخنوران، ص ۴۷-۴۸): «اسلوب و روش نظمی شاهنامه از

## شیوه‌های استفاده شاعران از مضامین و الفاظ آیات و روایات

### الف) استفاده از مفاهیم و مضامین

بسیاری از شاعران در این دوران از مضامین و مفاهیم اسلامی استفاده می‌کردند. و آن مضامین ربابواژگانی فارسی در شعر خود می‌گنجاندند. در این بخش به این تلمیحات و اشارات می‌پردازیم (و در بخش دوم مواردی را که الفاظ آیات و روایات به کار گرفته شده نشان داده‌ایم). در این بخش با صنعت ادبی «تلمیح» بیشتر سروکار داریم. تلمیح عبارت از آن است که گوینده در ضمن کلام به آیه یا حدیث یا داستان یا مثلی معروف اشارتی لطیف کند و عین آنها رانیورده باشد.<sup>(۱)</sup>

واینک نمونه‌هایی از اشعار سده سوم و چهارم:

۱ - محمد بن وُصیف: <sup>(۲)</sup>

هرچه بکردیم بخواهیم دید      سود ندارد ز قضا احتراست <sup>(۳)</sup>

مصراع نخست تلمیحی است به آیاتی همچون: و مَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ. (بقره، ۱۱۰) = آنچه راز کار نیک برای خود، پیش بفرستید نزد خداوند خواهید یافت؛ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا. (آل عمران، ۳۰) روزی که هرکس کار نیک خود را پیش روی خود حاضر بیند.

مصراع دوم ترجمه گونه‌ای است از این حدیث: اِذَا كَانَ الْقَدَرُ لَا يُرَدُّ فَالْاِحْتِرَاسُ بَاطِلٌ. <sup>(۴)</sup> = آنگاه که قدر رد نشود، احتراست (= مراقبت) کار ساز نگردد.

اسلوب قرآن گرفته شده... و فردوسی از اخبار واحادیث اسلامی مطلع بوده و جای جای ترجمه آنهادر شاهنامه دیده می‌شود.» از این رو امیدوارم در فرصتی دیگر بدین مهم بپردازم.

۱ - هنجارگفتار، ص ۲۵۹؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، ج ۲، ص ۳۲۸ و ۳۸۶.

۲ - دبیر رسایل یعقوب لیث بود و یعقوب را مدح کرد.

۳ - اشعار پراکنده قدیم‌ترین شعرای فارسی زبان، ج ۲، ص ۱۵.

۴ - شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۱۳۹.

۲ - شهید بلخی: (۱)

شنیده‌ام که بهشت آن کسی تواند یافت که آرزو برساند به آرزومندی (۲)  
تلمیحی است به حدیث نبوی (ص): مَنْ قَضَى لِمَوْ مِنْ حَاجَةٍ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ كَثِيرَةً  
أَدْنَا هُنَّ الْجَنَّةُ (۳) = هرکس نیاز مؤمنی را برآورد خداوند، نیازهای فراوانش را برآورده  
سازد که کمترین آن‌ها، بهشت است.

۳ - کمال الدین ابوالفتح بُنْدَارِ رَازِي: (۴)

از مرگ حذر کردن دو روز روا نیست

روزی که قضا باشد و روزی که قضا نیست

روزی که قضا باشد کوشش ندهد سود

روزی که قضا نیست در او مرگ روا نیست (۵)

تلمیحی است به این سخن حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَفَى بِالْأَجْلِ حَارِسًا. (۶) = اجل برای  
نگاهبانی آدمی کافی است. این دو بیت نیز از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است. (۷)

أَيُّ يَوْمِي مِنَ الْمَوْتِ أَفْرٍ      يَوْمَ لَا يُقَدَّرُ أَوْ يَوْمَ قُدِّرُ  
يَوْمَ لَا يُقَدَّرُ لَا أُرْهَبُهُ      وَمِنَ الْمَقْدُورِ لَا يَنْجِي الْحَدْرُ

یعنی: کدامین روز از مرگ بگیریم؟ روزی که مقدر نگشته یا روزی که مقدر گشته؟  
روزی که مرگم مقدر نباشد از آن نمی‌هراسم. و روزی که مرگم مقدر شده باشد ترس  
و گریز سودمند نخواهد بود.

۴ - بُنْدَارِ رَازِي:

گربه دل حبّ آل حیدرته      ساقی آب حوض کوثرته  
وربه دل بغض آل حیدرته      چه کنم من گناه مادرته



۱ - از شاعران دربار امیر نصر سامانی، در گذشته ۳۲۰ یا ۳۲۵ ق. ۲ - اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۳۵.

۳ - بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵.

۴ - از شاعران قرن چهارم هجری و شاعر صاحب بن عبّاد.

۵ - شاعران هم عصر رودکی، ص ۲۶۷.

۶ - نهج البلاغه، ص ۶۶۸، حکمت ۲۹۷. ۷ - العقد الفرید، ج ۱، ص ۱۰۱.

تا تاج ولایت علی بر سر می هر روز ز روز پیشتر خوشتر می  
شکرانه این که میر دین حیدرمی از فضل خدا و منت مادرمی (۱)  
روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام نقل شده که: دوستی اهل بیت نشانه طیب ولادت  
و دشمنی اهل بیت، نشانه خُبث ولادت است. (۲)

۵- رودکی سمرقندی: (۳)

شادزی باسیاه چشمان شاد که جهان نیست جز فسانه و باد (۴)  
همین مضمون در شعر ابوطیب مُصعبی (۵) آمده است:  
جهانا همانا فسوسی و بازی که برکس نیایی و باکس نسازی (۶)  
تلمیحی است به آیه: و ما الحیة الدنیا الا لعِبٌ و لهوٌ (انعام، ۳۲) = دنیا جز بازیچه و  
هوسرانی، هیچ نیست. این بیت نیز منسوب به حضرت علی علیه السلام است:

انما الدنیا کظلم زائلٍ اوكضیف بات لیلاً فازتحل (۷)

دنیا به سان سایه‌ای است زوال‌پذیر؛ یا همچو میهمانی است که شبانگاه در جایی  
مانده و سپس کوچیده است.

۶- رودکی:

زمانه گفت مرا خشم خویش دار نگاهرا زبان نه به بند است پای در بند است (۸)  
تلمیح است به حدیث: نجات المؤمن من حفظ لسانه. (۹) = نجات انسان با ایمان به واسطه  
حفظ زبان اوست.

۷- رودکی:

۱- شاعران هم عصر رودکی، ص ۲۶۹-۲۶۸

۲- بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۵-۱۵۶، باب ۵. در این باب ۳۱ روایت نقل شده است.

۳- پدر شعر فارسی، درگذشته ۳۲۹ ق. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۳۸.

۴- رودکی، آثار منظوم، ص ۳۸.

۵- از فضلا و شعرای عصر سامانی، و وزیر امیر نصر بن احمد سامانی.

۶- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۴۸.

۷- دیوان الامام علی بن ابی طالب (ع)، ص ۹۰. ۸- رودکی، آثار منظوم، ص ۲۴.

۹- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۱۰.

این جهان پاک خواب کردار است آن شناسد که دلش بیدار است (۱)  
به تعبیر استاد فروزانفر: بی گمان ترجمه گونه‌ای است از این حدیث: الدنيا حُلْمٌ (۲) =  
دنیا خواب و رؤیا است.

۸- رودکی:

به سرای سپنج مهمان را دل نهادن همیشگی نه رواست  
زیر خاک اندرون باید خفت گرچه اکنون خواب بر دیباست  
باکسان بودنت چه سود کند که به گور اندرون شدن تنهاست (۳)  
تلمیح است به حدیث: ایها الناس! إنَّ مَنْ فِي الدنیا ضیفٌ، و مافی أیدیهم عاریةٌ، وإنَّ  
الضيفَ مرتحلٌ والعاریةُ مردودةٌ (۴) = ای مردم! آدمیان در دنیا میهمانند، و آنچه دارند  
امانت است؛ میهمان رفتنی است و امانت، ستدنی.

۹- رودکی:

به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری ساکسا که به روز تو آرزومند است (۵)  
تلمیح است به آیه: وَلَا تَمُدَّنَّ عَیْنِکَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا لِنُفِثَنَّهُمْ فِیهِ  
(طه، ۱۳۱) = هرگز به چیزی که به گروهی در جلوه حیات دنیای فانی داده‌ایم چشم مدوز،  
که این برای آزمودن ایشان است.

شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر این آیه، این حدیث نبوی (ص) رانیز آورده است:  
لَا تَنْظُرُوا إِلَىٰ مَنْ هُوَ فَوْقَکُمْ وَانظُرُوا إِلَىٰ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْکُمْ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزْدُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ  
عَلِیکُمْ = بدان کس منگرید که در نعمت، فرادست شماست، به کسی بنگرید که از شما  
فروتر است، که این برای کوچک نشمردن نعمت پروردگار بر شما سزاوارتر است،  
سپس، ابوالفتوح این چند بیت را از شاعری پارسی نقل می‌کند:

زمانه پندی آزاد وار داد مرا زمانه را چونکوبینگری همه پند است

۱- رودکی، آثار منظوم، ص ۱۸.

۲- احادیث مثنوی، مقدمه استاد فروزانفر، صفحه د و ص ۸۱. ۳- رودکی، آثار منظوم، ص ۲۲.

۴- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۸۷. ۵- رودکی، آثار منظوم، ص ۲۴.

زبان ببند مرا گفتم و چشم دل بگشای که را زبان نه به بند است پای در بند است  
بدان کسی که فزون از تو آرزو چه کنی بدان نگر که به حال تو آرزومند است (۱)  
۱۰- رودکی:

اندر بلای سخت پدید آرند فضل و بزرگ مردی و سالاری (۲)  
اشارتی است ترجمه گونه به این سخن مولا علی ع: **فِي تَقَلُّبِ الْاَحْوَالِ عِلْمِ جِوَاهِرِ  
الرِّجَالِ** (۳) = در دگرگونی احوال، جوهر آدمیان پدیدار می‌گردد.  
۱۱- ابو شکور بلخی: (۴)

از دور به دیدار تو اندر نگرستم  
مجروح شد آن چهره پر حُسن و ملاحه  
وز غمزه تو خسته شد آزرده دل من  
وین حکم قضائی ست جراحی به جراحی (۵)  
آخرین مصراع تلمیح است به آیه: **وَالْمَجْرُوحُ قَصَاصٌ** (مائده، ۴۵) = هر جراحی را  
قصاصی است.

۱۲- از ابیات منسوب به آفرین نامه ابو شکور بلخی:  
گشاده شود کار چون سخت بست کدامین بلند است نابوده پست  
از اندوه شادی دهد آسمان فراخی ز تنگی بود بی گمان (۶)  
تلمیح است به مضمون چندین آیه و روایت از جمله: **سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا** (طلاق، ۷) =  
خداوند بزودی پس از هر سختی، آسانی قرار دهد؛ **فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا** (شرح، ۵) = پس  
براستی که با هر سختی، آسانی است؛ و این سخن مولا علی ع: **عِنْدَ تَنَاهِي الشَّدَّةِ تَكُونُ  
الْفَرَجَةُ**، **وَعِنْدَ تَضَائِقِ حَلْقِ الْبَلَاءِ يَكُونُ الرَّجَاءُ** (۷) = آنگاه که سختی به نهایت رسد،  
گشایش حاصل آید، و آنگاه که حلقه‌های بلاتنگ شوند، آسایش رسد.

- ۱- تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۷، ص ۵۰۱-۵۰۲.  
۲- رودکی، آثار منظوم، ص ۱۱۰.  
۳- نهج البلاغه، ص ۶۴۶، حکمت ۲۰۷.  
۴- از شاعران عصر سامانی، نیمه اول قرن چهارم هجری.  
۵- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۷۸.  
۶- همان، ص ۱۱۱.  
۷- نهج البلاغه، ص ۶۷۵، حکمت ۳۴۱.

۱۳- ابوشکور بلخی :

سخن کر دهان ناهمایون جهد      چو ماری است کز خانه بیرون جهد  
نگهدار از او خویشان چون سزد      که نزدیکتر را سبکتر گزد<sup>(۱)</sup>  
تلمیح است به سخن حضرت علی علیه السلام: اللسانُ سبُعٌ، إنْ خُلِيَ عنه عَقَرَ<sup>(۲)</sup> = زبان  
درنده‌ای است که گر رها شود بگزد.

۱۴- ابو شکور بلخی:

نگهبان گنجی تو از دشمنان      و دانش نگهبان تو جاودان<sup>(۳)</sup>  
ترجمه گونه‌ای است از این سخن مولا علی علیه السلام: العلمُ خیرٌ من المال؛ العلمُ یحرسک و  
أنت تحرسُ المال<sup>(۴)</sup> = دانش بهتر از دارایی است؛ دانش نگاهبان توست و حال آنکه تو  
دارایی را نگاهبانی.

۱۵- ابوشکور بلخی:

سخن تانگویی تو را زیر دست      زیر دست شد کز دهان تو جست<sup>(۵)</sup>  
تلمیحی است به این سخن حضرت علی علیه السلام: الکلامُ فی وثاقک ما لم تتکلّم به فاذا  
تکلّمْتَ به صِرْتَ فی وثاقه<sup>(۶)</sup> = سخن راتا نگفته‌ای در بند توست، لیک چو سخن گویی،  
تو در بند آن خواهی بود.

۱۶- ابوشکور بلخی:

ز نیکی همه نیکی آید به جای      به نیکی دهد نیز نیکی خدای<sup>(۷)</sup>  
تلمیحی است به آیه: هل جزاءُ الاحسانِ الا الاحسان؟ (رحمان، ۶۰) = آیا پاداش نکویی  
جز نکویی است؟

- ۱- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۱۳، ۳۹- نهج البلاغه، ص ۶۱۳، حکمت ۵۵، ۴۰- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۱۷.
- ۲- نهج البلاغه، ص ۶۱۳، حکمت ۵۵.
- ۳- ۴۰- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۱۷.
- ۴- نهج البلاغه، ص ۶۳۳، بخشی از حکمت ۱۳۹.
- ۵- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۱۷.
- ۶- نهج البلاغه، ص ۶۸۵، حکمت ۳۷۱.
- ۷- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۲۶.



جهان آب شور است چون بنگری فزون تشنه‌ای گرچه بیشش خوری (۱)  
ترجمه گونه‌ای است از این حدیث امام صادق علیه السلام: **مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كَلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ**. (۲) = مَثَلُ دُنْيَا مَثَلُ آبِ دَرِيَا سْت. انسان تشنه هر چه بیشتر از آن نوشد تشنه تر گردد تا اینکه او را از بین برد.

۱۸ - حکیم ابوبکر محمد بن علی خسروی سرخسی: (۳)

آفریننده رانیابد وهم گر به و هم اندر آوریش خطاست  
نیست مانند او مپرس که چیست نامکان‌گیر را مگو که کجاست (۴)  
تلمیحی است به این سخنان حضرت علی علیه السلام: **لَا يُدْرِكُ كَهْ بَعْدُ الْهَمِّمْ وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطْنِ** (۵)... و لایحویه مکان (۶) = اندیشه‌های بلند و ژرف به کنه ذات خداوندی پی نبرد و زیرکی غواصان دریای دانش به ساختش دست نیابد... و هیچ مکانی او را در بر نگیرد.

۱۹ - حکیم میسری: (۷)

نکو گفتست نوشروان بخوانش که مردم را بود ارزش به دانش  
علی نیز این به تازی باز راند که مردم را بها چندان که داند (۸)  
شهید بلخی نیز بیتی با این مضمون دارد:  
دانشا چون دریغم آیی از آنک بی بهایی ولیکن از تو بهاست (۹)



- 
- ۱- همان، ص ۱۲۷ ۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۶۵.  
۳- از شاعران دربار امیر شمس المعالی، نیمه دوم قرن چهارم هجری.  
۴- شاعران هم عصر رودکی، ص ۲۲۷.  
۵- نهج البلاغه، ص ۲۴، خطبه ۱.  
۶- همان، ص ۳۱۵، خطبه ۱۷۸.  
۷- پروفیسور ژیلبرلازار در کتاب اشعار پراکنده، ج ۲، از ص ۱۷۸ تا ص ۱۹۴، بخشی از مثنوی «دانش نامه» حکیم میسری رانقل کرده است و در مقدمه کتاب، ص ۶ تاریخ سرودن آن را در سالهای ۳۶۷-۳۷۰ هجری قمری دانسته است.  
۸- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۸۳.  
۹- همان، ص ۲۴.

این بیتها ترجمه سخن امیرالمؤمنین علیه السلام است: قِيمَةُ كُلِّ امْرِيٍّ مَا يَعْلَمُ<sup>(۱)</sup>. = ارزش هرکس به دانش اوست و نیز تلمیحی است به این حدیث: أَكْثَرُ النَّاسِ قِيمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقَلُّ النَّاسِ قِيمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا.<sup>(۲)</sup> ارزشمندترین مردم، داناترین آنان است و کم ارزشترین ایشان، نادان ترینشان.

۲۰- کسایی مروزی: (۳)

گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشتردم کریم تر شود اندر نعم گل ای گل فروش، گل چه فروشی برای و نیکگل عزیزتر چه ستانی به سیم گل (۴) مصراع نخست آن تلمیحی است به حدیث: إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ بَرِيحَانٍ فَلْيُشِمَّهُ وَلْيَضَعْهُ عَلَى عَيْنَيْهِ فَإِنَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ<sup>(۵)</sup> = آنگاه که یکی از شما گلی به دست آورد آن را بویید و بر روی دو چشمش گذارد که گل از بهشت است.

۲۱- کسایی مروزی:

فهم کن گر مؤمنی فضل امیرالمؤمنین

فضل حیدر شیریزدان مرتضای پاک دین

از متابع گشتن او حوریابی با بهشت

وز مخالف گشتن او ویل یابی و انین

بی تو لا بر علی و آل او دوزخ تو راست

خواروبی تسلیمی از تسنیم و از خلد برین (۶)

تلمیح است به مضمون احادیث بسیاری از جمله: أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ

الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْمَنَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ<sup>(۷)</sup> = هان! هر که علی

رادوست بدارد درهای هشتگانه بهشت بر او گشوده گردد، هر که بر دشمنی اهل بیت

بمیرد، بوی بهشت به مشامش نرسد.



۱- شرح غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۰۲. ۲- سفینة البحار، ج ۲، ص ۲۱۹.

۳- از شاعران بزرگ نخستین دوره شعر فارسی و از معاصران حکیم فردوسی و شیعه مذهب است.

۴- کسایی مروزی، زندگی، اندیشه و شعرا، ص ۹۰-۹۱. ۵- سفینة البحار، ج ۲، ص ۶۴۱.

۶- کسایی مروزی، ص ۹۳، ۹۵. ۷- بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۲۳.

هرچه کردی نیک و بد فردا به پشت آورد

بی شک ای مسکین اگر در دل نداری آوری (۱)

تلمیح است به آیه: *يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا*. (آل عمران، ۳۰) = روزی که هرکسی کارهای نیک خود را پیش روی خود حاضر ببیند و آرزو کند که میان او و کارهای بدش مسافتی دور جدایی باشد.

گرنجات خویش خواهی در سفینه نوح شو

چند باشی چون رهی تو بینوا ای دل رهین

دامن اولاد حیدرگیر و از طوفان مترس

گرد کشتی گیر و بنشان این فرع اندر پسین (۲)

اشارتی است لطیف به حدیث صحیح و بس مشهور «سفینه»: *إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفِينَةُ نُوحٍ فِي لُجَّةِ الْبَحْرِ مَنْ رَكِبَهَا نَجِيَ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ* (۳)

= مثل اهل بیت من در میان این امت (مثل) کشتی نوح است در دل دریا؛ هر که سوار کشتی شود نجات یابد و گرنه غرق گردد.

### ب) اقتباس از آیات و روایات:

اقتباس در لغت به معنی «گرفتن پاره آتش» یا «نور و فروغ گرفتن» است و در اصطلاح بلاغی آن است که شاعر یا نویسنده بخشی از آیه یا حدیث یا سخن معروفی را در گفتارش بیاورد (۴). در این بخش آن دسته از اشعاری را که بخشی از کلمات آیات و روایات در آنها درج شده است می آوریم:

۱- کسای مروزی، ص ۱۱۴ ۲- همان، ص ۹۴

۳- برای مآخذ گوناگون حدیث سفینه ر.ک: سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۳۰.

۴- ر.ک: هنجار گفتار، ص ۳۲۴؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، ج ۲، ص ۳۸۳-۳۸۵.

۱- محمد بن وصیف:

لمن الملك بخواندى تو امیرا به یقین یا قلیل الفئته كت داد ور آن لشکر کام (۱)  
مصراع نخست برگرفته از آیه: **لِن الْمَلِكُ الْيَوْمَ** (غافر، ۱۶) است. = امروز (قیامت)  
پادشاهی با کیست؟ و مصراع دوم برگرفته از آیه: **كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ**.  
(بقره، ۲۴۹) = چه بسا که گروهی اندک به اذن پروردگار برگروهی بسیار، چیره گشته است.

۲- محمد بن وصیف:

قول خداوند بخوان فاستقم معتقدی شو و برآن بر بایست (۲)  
برگرفته از آیه: **فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ** (هود، ۱۱۲) است = آن گونه که مأموری، استقامت و  
پایداری کن.

۳- ابواسحاق بخاری جویباری: (۳)

ابابیل وار چند مردان مرد که جویند مرگنج را زیر جرد (۴)  
این واژه در آیه: **وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ** (فیل، ۳) آمده است = مرغان ابابیل را بر آن  
سپاه فرستاد.

۴- ابو عبدالله جنیدی: (۵)

بتی که سجده برد پیش روی اوبت چین خیال اوبود اندر بهشت، حورالعین (۶)  
۵- کسائی مروزی:

کوهسار خشینه را به بهار که فرستد لباس حورالعین (۷)  
واژه «حورعین» در چندین آیه قرآن کریم آمده است از جمله در سوره دخان، آیه ۵۴.  
۶- منجیک ترمذی: (۸)

همه صفات خداوند بر تو زیباست برون از این دو صفت لم یلد ولم یولد (۹)

۱- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۱۳ - همان، ص ۱۴ - همان، ص ۱۴  
۲- از فضلا و شعرای دوره سامانیان.  
۳- شاعران هم عصر رودکی، ص ۴۱  
۴- شاعران هم عصر رودکی، ص ۱۳۰.  
۵- از شاعران بزرگ نیمه قرن چهارم هجری.  
۶- شاعران هم عصر رودکی، ص ۱۹۸.  
۷- کسائی مروزی ...، ص ۱۱۱.  
۸- از شاعران هم عصر رودکی، ص ۱۹۸.

«لم يلد ولم يولد» بخشی از سوره اخلاص (۱۱۲) است.

۷- منجیک ترمذی:

تبارک الله از آن چهره بدیع و لطیف همه سراسر فهرست فتنه را تمثال (۱)  
«فتبارک الله» بخشی از آیه ۶۴ سوره غافر است.

۸- کسایی مروزی:

ای نواصب گزندانی فضل سر ذوالجلال

آیت «قربی» نگه کن و آن «اصحاب الیمین» (۲)

اقتباس است از آیات: و آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ (اسراء، ۲۶) = حق خویشاندوان را ادا کن: و أَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ. (واقعه، ۲۷) = اصحاب یمین (راستان و نیکان) کجایند و چگونه اند؟

۹- کسایی مروزی:

«قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ» برخوان، ورنندانی گوش دار

لعنت یزدان ببین از «نَبْتِهْل» تا «کاذبین» (۳)

در این بیت بخشی از آیه مباهله، اقتباس شده است: فَنِّ حَاجِكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ انْفُسَنَا وَ انْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ. (آل عمران، ۶۱) = پس هر آن کس که باتو (در باره عیسی مسیح) مجادله کند، پس از آنکه تو از واقعه او آگاهی یافتی، پس بگو: بیاید ما و شما با فرزندان و زنان خود به مباهله برخیزیم، سپس نفرین الهی را بر دروغ گویان قرار دهیم.

۱۰- کسایی مروزی:

«لا فتی الا علی» بر خوان و تفسیرش بدان

یا که گفت و یا که داند گفت جز «روح الامین»؟ (۴)

روایت «لا سیف الا ذو الفقار و لا فتی الا علی» در منابع شیعه و اهل سنت آمده است. (۵) = شمشیری جز ذو الفقار و جوانمردی جز علی علیه السلام نیست.

۱- همان، ص ۲۰۵. ۲- کسایی مروزی... ص ۹۳. ۳- همانجا

۴- همان، ص ۹۴. ۵- ر.ک: سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۴۵.

«الروح الامین» هم در آیه ۱۹۳ سوره شعراء آمده است .

۱۱- دقیقی طوسی: (۱)

چو روی یار من شد دهر گویی همی عارض بشوید بآب کوثر (۲)

«کوثر» واژه‌ای قرآنی است (کوثر، ۱)

### ج) اشاره به داستانهای قرآنی:

داستانهای قرآنی، انعکاس وسیع در ادبیات فارسی یافته و به تعبیر استاد زرین کوب، تلمیحات و تعبیرات رایجی پدید آورده که نمونه ای از تأثیر قرآن در شعر فارسی است. (۳) در این بخش به ذکر نمونه هایی این چنین از شاعران سده های سوم و چهارم بسنده می کنیم:

۱- شهید بلخی:

چو سدّ یاجوج بایدی دل من که باشدی غمزگانش را سپرا (۴)

داستان سدّ یاجوج که به دست ذوالقرنین ساخته شد در سوره کهف، آیه ۹۴ آمده است .

شهید بلخی:

به منجنیق عذاب اندرم چو ابراهیم به آتش حسراتم فکند خواهندی (۵)

داستان به آتش افکندن حضرت ابراهیم علیه السلام در سوره انبیاء، آیه های ۶۸ - ۶۹ آمده است.

ابو شکور بلخی:

اگر قارون شوی زالفختن مال شوی در زیر پای خاک پامال ژ

۱- ابو منصور محمدبن احمد دقیقی، از شاعران دوره سامانی است.  
۲- دیوان دقیقی طوسی، بیست ۱۱۳۳.  
۳- این تلمیحات و تعبیرات از: تخت سلیمان، کشتی نوح، آتش ابراهیم، لحن داوود، صبر ایوب، پیراهن یوسف، دارالاحزان یعقوب، عصای موسی، دم عیس و جز آنها، (ر.ک: شعر بی دورغ شعری بی نقاب، ص ۲۴۹  
۴- اشعار پراکنده، ج ۲، ص ۲۳. ۵- همان، ص ۳۵. ژ- همان، ص ۸۸

داستان قارون در سوره قصص، آیات ۷۶ - ۸۱ آمده است.

طیان مرغزی: (۱)

به جان من بر ستخیز کرد لشکر عشق چنان که لشکر طالوت کرد بر جالوت (۲)  
داستان طالوت و جالوت در سوره بقره، آیات ۲۴۷-۲۵۱ آمده است.

دقیقی طوسی:

به چهره یوسف دیگر و لیکن به هجرانش منم یعقوب دیگر (۳)  
داستان یوسف و یعقوب در سوره یوسف (۱۲) به تفصیل آمده است.

و رودکی سمرقندی چه نیکو سروده و داستان یوسف عليه السلام را به نظم کشیده است:

نگارینا شنیدستم که گاه محنت و راحت

سه پیراهن سَلَب بوده است یوسف را به عمر اندر

یکی از کید شد پر خون دوم شد چاک از تهمت

سوم یعقوب را از بوش روشن گشت چشم تر

رخم مانند بدان اول، دلم مانند بدان ثانی

نصیب من شود در وصل آن پیراهن دیگر (۴)

د) اشاره به برخی از وقایع تاریخ صدر اسلام:

کسایی مروزی نخستین شاعری است که سوگند نامه‌ای بلند برای شهیدان کربلا  
سروده است، ابیات این سوگندنامه به ۵۰ بیت می‌رسد. (۵)

از دقیقی طوسی نیز ابیاتی پراکنده باقی مانده که در ذیل، بدانها اشاره می‌شود:

چنان کز چشم او ترسم نترسید جهود خیبری از تیغ حیدر

چنان کان چشم او کردست با من نکرد آن نامور حیدر به خیبر

۱- از شاعران دوره سامانی. ۲- شاعران عصر رودکی، ص ۶۴.

۳- دیوان دقیقی طوسی، بیت ۱۱۱۰. ۴- رودکی، آثار منظوم، ص ۵۶.

۵- کسایی مروزی ...، ص ۶۹-۷۶.

چنان برمن کند آن جور و بیدار      نکردند آل بوسغیان به شبّر  
 چنان چون من براو گریم نگرید      اَبَر شَبِیر زهرا روز محشر<sup>(۱)</sup>

در این ابیات به واقعه فتح قلعه خیبر به دست حضرت علی علیه السلام و نیز بر مظلومی که پس از رحلت رسول خدا (ص) بر اهل بیت (علیهم السلام) روا شد، اشارت رفته است. همان گونه که در آغاز مقاله گفته آمد، غرض، یاد کرد تمامی مواردی نیست که از قرآن و حدیث متأثر گشته، بلکه این نکته در مدّ نظر بوده است که شعر و ادب پارسی، از سده های نخست با مضامین آیات و روایات عجین بوده است، تا بدانجا که تأثیر فرهنگ اسلامی را بر ادبیات فارسی انکار نتوان کرد. و این قولی است که جملگی بر آنند. والسلام.

### منابع :

- قران کریم .
- احادیث مثنوی، بدیع الزمان فروزانفر، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۶.
- اشعار پراکنده قدیمترین شعرای فارسی زبان، به کوشش ژیلبر لازار، ج ۲، انستیتو ایران و فرانسه، تهران ۱۳۴۱/۱۹۶۲.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۳.
- تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، تهران ۱۳۷۱.
- تحقیقات ادبی، کیوان سمیعی، کتابفروشی زوار، تهران ۱۳۶۱.
- تفسیر ابوالفتوح رازی، باتصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، انتشارات اسلامیّه، تهران ۱۳۵۳.
- الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری، آدم منز، نقله الی العربیة محمد عبدالهادی ابوریده، قاهره، ۱۳۷۷/۱۹۵۷.

۱- دیوان دقیقی طوسی، بینهای ۱۱۱۵-۱۱۱۸.